



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## سیره‌ی پیامبر خاتم (ص) در قرآن

---

عبدالمجید معادینخواه

## سیره‌ی پیامبر خاتم (ص) در قرآن، بخش سوم

### سیره ... در نگاه فرهنگی و اخلاقی

آنچه گذشت اشاره به بحث‌های بنیادینی بود که در آن چگونگی شکل‌گیری شاخه‌ی سیره‌ی پیامبر (ص) را بر مبنای عرفان و عشق الهی و بینش و گرایش توحیدی- در افق‌های روشنی از آیه‌های قرآن - مرور کردیم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اینک سیره‌ی آن بزرگوار را با نگاه فرهنگی و اخلاقی از نگاه می‌گذرانیم که دومین فصل است از بحث‌های سیره‌ی پیامبر خاتم (ص) در قرآن.

### ۱-۲ حق‌پذیری

در سیره‌ی پیامبران خدا و پیامبر خاتم (ص) اسلام و حق‌پذیری به عنوان یک محور، اصل و مبنا مطرح است. این ویژگی را نیز باید در فرهنگ خداپرستی و عبودیت ریشه‌یابی کرد. چنان‌که حق‌ستیزی و منطق‌گریزی را ریشه در فرهنگ خودپرستی و شرک است. پایه‌گذاری اسلام و حق‌پذیری و حق‌محوری به عنوان آیین، مکتب و فرهنگ ابراهیم خلیل (ع). قرآن را در این زمینه پیام‌هایی ست روشن و روشنگر؛

سوره‌ی بقره (آیه‌ی ۱۳۸ - ۱۲۴)

﴿۱۲۴﴾ وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ قَائِمًا فَتَمَّتَهُمَا قَالَ إِنِّي جَاءُكَ اللَّيَالِي إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا تَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿۱۲۵﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَكَّةَ لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَآخِذُوا مِنْ مَّقَامِرِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۱۲۶﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آسَافًا وَبَارُكًا ۖ وَمِنَّا وَارِثَةً مِنَ الَّذِينَ يَبْنُونَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَفِيهَا لَمَّصِيرٌ ﴿۱۲۷﴾ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا اتَّخَذْنَا آتَاكَ إِنَّا كَأَنَّا السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۸﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۹﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۳۰﴾ وَمَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَلَمْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّا فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۳۱﴾

﴿۱۲۴﴾ یاد باد که ابراهیم را پروردگارش با سخنی چند آزمود آنک همه را به کمال از عهده برآمد. گفت: اینک بر آنم که تو را پیشوای مردم سازم گفت: و از فرزندانم نیز؟ گفت: پیمان مرا بهره‌مند نشوند ستمگران.

﴿۱۲۵﴾ و یاد باد که آن خانه را صحنه‌ی حضور و امنیت مردم رقم زدیم. و اینک از جایگاه ابراهیم نمازگاه گیرید. و با ابراهیم و اسماعیل پیمان بستیم که خانه‌ی مرا پاک سازید برای همه طوافگران، نیایشگران و رکوع کنندگانِ خاکساران.

﴿۱۲۶﴾ و یاد باد که ابراهیم گفت: پروردگارا! این خطه را شهری امن بساز، و اهلش را هرکس از آنان که به خدا و روز پسین بگردد از همه میوه‌ها روزی بخش. گفت: و هرکس کفر ورزد نیز اندکی بهره‌مندش کنم، سپس او را به عذاب آتش کشانم که بد فرایندی‌ست آنان را!

﴿۱۲۷﴾ و یاد باد که ابراهیم پایه‌های آن خانه را برمی‌افراشت. پروردگارا! از ما بپذیر که بی‌گمان تویی آن شنوای دانا.

﴿۱۲۸﴾ پروردگارا! ما را گردن نهادگانِ خود رقم زن، و نیز از نسلِ ما امتی همه گردن نهادگان تو را، و راه و رسم نیایش را بنمایانمان و توبه‌ی ما را بپذیر که بی‌گمان توبه پذیر مهربان تو باشی خدایا! ﴿۱۲۹﴾ پروردگارا! در میانشان پیامبری از خودشان برانگیز که آنان را و امدارِ تلاوتِ آیات تو سازد. کتاب و حکمتشان بیاموزد و وارسته‌شان کند، که تویی شکست ناپذیر حکیم همانا.

﴿۱۳۰﴾ اینک کیست که از آیین ابراهیم روی گرداند جز او که خویشتنِ خویش را بی تیار پسندد؟ آری مادر این جهانش برگزیدیم و اوست در جهان دیگر از شایستگان.



﴿۱۳۱﴾ چون که پروردگارش او را گفت: گردن نه، گفت: گردن نهادم به پیشگاه پروردگار جهانیان.

﴿۱۳۲﴾ و بدان سفارش کرد ابراهیم فرزنداناش، ویژه یعقوب را، ای فرزندانم خدا برایتان این کیش را برگزید، مباد که جان بسپارید، جز در موضع اسلام

﴿۱۳۳﴾ یا مگر شما همه گواه بودید چون که یعقوب را مرگ فرا رسید، آنک به فرزنداناش گفت: پس از من چه را پرستید؟ گفتند: خدای تو را پرستیم و خدای پدرانت ابراهیم، اسماعیل (ع) و اسحاق را، خدای یگانه ای که در تسلیم به او بییم هم مرام.

﴿۱۳۴﴾ این امتی است که روزگارش سپری شد. او راست همان که به دست آورد، چنان که شما راست دستاوردتان و شما باز خواست نشوید از کارنامه‌ی آنان.

﴿۱۳۵﴾ و گویند: جهودان باشید یا ترسایان، تا مگر راه یابید بگو: هرگز! بلکه کیش زلال ابراهیم، که نبوده است از مشرکان.

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ وَأَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۱﴾  
 وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَيْنَهُ وَيَعْقُوبَ يَبْنِي إِنَّ اللَّهَ أَخْطَأَنَّ  
 لَكُمْ الَّذِينَ فَلَا تَمُوتُونَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾ أَمْ كُنْتُمْ  
 شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ  
 مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَاللَّهُ أَبَا بَابِكَ إِبْرَاهِيمَ  
 وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَجِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۳﴾  
 تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ  
 وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۴﴾ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا  
 أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ  
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۳۵﴾ قُولُوا أَمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا  
 أُنزِلَ إِلَيْنَا مِن بَعْدِهِ مِن سَمْعِ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
 وَاللَّسَّاطِ وَلَا نَسْبُاطِ وَمَا أَوْفَىٰ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أَوْفَىٰ النَّبِيُّونَ  
 مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۶﴾ فَإِن  
 ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ آهْتُوا وَإِن كُنتُمْ فَاكِرًا  
 هُمْ فِي شِقَاقِ تَسِيءَاتِكُمْ أَلَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۳۷﴾  
 صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿۱۳۸﴾

﴿۱۳۶﴾ بگویند: به خدا گرویدیم و آنچه به سویمان فرو فرستاده شد و نیز آنچه به سوی ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و اسباط فرو فرستاده شد، و هم آنچه موسی و عیسی را ارزانی شد، میان احدی از آنان جدایی نیفکنیم که ماییم همه او را گردن نهادگان.

﴿۱۳۷﴾ اینک اگر گرویدند چنان که شما یان گرویدید، بی گمان ره یافته اند، و اگر روی برتافتند، جز از این نیست که آنان اند در موضع ستیز. زودا که خدایت از آسایشان بسنده باشد که اوست همان شنوای دانا.

﴿۱۳۸﴾ رنگ خدایی، و در رنگ، از خدا زیباتر کیست؟ که ماییم همه او را پرستشگران.

## اسلام، شعاری در برابر تعصب دینی، انحصار طلبی و سلطه‌گری

پیامبر خاتم (ص) در سال‌های نخست بعثت بسیار کوشید تا با شعار اسلام همه‌ی پرستشگران خدا را بر محور حق و توحید فراهم آورد و زمینه‌های پراکندگی را نفی کند. محتوای این شعار جز نفی سلطه و پذیرش حق و منطقی چیزی نبود.

دریغ و افسوس که متولیان دروغین دین با انگیزه‌های ناسالم انحصار طلبی و سلطه‌گری، تعصب‌ها را دامن زدند و زمینه ساز نفرت، کین توزی و جنگ شدند. داستان طرح شعار وحدت و صلح از سوی پیامبر خاتم (ص) و منطقی‌گری و حق ستیزی از سوی جبهه‌ی انحصار و ارتجاع در جای جای قرآن مطرح است. از آن جمله در بخش عظیمی از دومین سوره‌ی قرآن کریم.

پی آمد تلخ لجاجت‌ها و تعصب‌ها، جدایی صف پیروان محمد (ص) از اهل کتاب بود که در تغییر قبله عینیت یافت؛

گویی با تغییر قبله، شکست آرمان صلح و وحدت در مقطعی از تاریخ اعلام شد و تن دادن به برخوردهای خونین اجتناب ناپذیر گردید. شاید طرح مسالهی جهاد و شهادت، پس از آیه‌های مربوط به تغییر قبله را بتوان بدین سان توجیه کرد. *انسان و مطالعات فرهنگی*

با این همه، همچنان پیامبر خاتم (ص) آرمان صلح و وحدت را پی‌گیر بود و با تکیه بر حق‌پذیری و حق‌محوری و کلیت دین در این راستا می‌کوشید؛

سوره ی بقره (آیه ۱۵۲ - ۱۳۹)

﴿۱۳۹﴾ بگو: مگر شما با ما در خصوص خدا برهان تراشی کنیدی در حالی که اوست پروردگاری ما و هم پروردگاری شما، و ما راست کارهایمان و شما را نیز کارهایتان، و ما میم همه او را اخلاص و رزان.

﴿۱۴۰﴾ یا مگر گویند: ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و اسباط از جهودان بوده‌اند یا ترسیان؟ بگو: شما دانائید یا خدا؟ و کیست مستمگرتر از کسی که گواهی خویش را در زمینه‌ای از خدا پوشیده دارد و خدا نه غافل است از عملکردتان.

﴿۱۴۱﴾ این امتی است که روزگارش سپری شد. او راست همان که به دست آورد و شما را نیز همان که به دست آوردید و شما باز خواست نشوید که چه می‌کرده‌اند آنان.

﴿۱۴۲﴾ زودا که از این مردم، بی تبارا نشان گویند: چه چیز مسلمانان را از قبله‌ای که بر آن بودند روی گردان ساخت؟ بگو: خدای راست خاور و باختر، هر که را خواهد ره نماید به راهی راستا.

﴿۱۴۳﴾ و چنین است که شما را امتی میانه ساختیم

قُلْ أَتَمَّاجُونَنَا فِي اللَّهِ وَهُورَبْنَا وَرَبُّكُمْ وَآنَا  
 أَعْمَلْنَا وَآكُمْ أَعْمَلَكُمْ وَنَحْنُ لَدُنْخُلُصُونَ ﴿١٣٩﴾ أَمْ  
 نَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمِعِيلَ وَاسْحَقَ وَيَعْقُوبَ  
 وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَرَأَيْتُمْ  
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَبَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ  
 بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾ تَبَّآ أُمَّةٌ قَدْ خَلَّتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ  
 وَآكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُنْتَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾  
 سَيَسْأَلُ النَّبِيَّآءُ مِنَ النَّآسِ مَا وَآلَهُمْ عَن قِبَلِهِمُ الَّذِي كَانُوا  
 عَلَيْهِ قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَآءُ إِلَى صِرَاطٍ  
 مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَآكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا  
 شُهَدَآءَ عَلَى النَّآسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا  
 جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ  
 مِمَّنْ يَتَّقِلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ  
 هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ عَمَّا يَتَّبِعُونَ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّآسِ  
 لَءَبْرٌ وَرَبٌّ رَحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ قَدْ زَرَى ثَقَلَبُ وَجْهَكَ فِي السَّمَآءِ  
 فَلَنُورِيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ  
 الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِن لِّلَّذِينَ  
 أُوتُوا الْكِتَآبَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ  
 عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾

تا شما گواهان بر مردم باشید و پیامبر هم گواهی شما. و آن قبله را که تو بر آن بودی رقم نزدیم مگر پیروان این پیامبر را از آنان که به واپس گریند باز شناسیم. هر چند که آن را گرانی ویژه‌ای است مگر بر آنان که خدایشان ره نمود. و خدا بر آن نیست که ایمانی شما را تباه سازد که بی گمان خدا با مردم بنده نوازی است مهربان.

﴿۱۴۴﴾ همانا روی گشت تو را در آسمان بنگریم، پس تو را به همان قبله که می‌پسندی بگردانیم. اینک روی خویش به سمت مسجد الحرام بگردان و هر کجا بودید بدان سوی روی آورید و بی گمان آنان که کتاب داده شدند بدانند که آن حق است از پروردگارش و خدا غافل نباشد از عملکردشان.



﴿۱۴۵﴾ هر چند آنان را که کتاب داده شده‌اند معجزه‌ها بیاوری، قبله‌ات را پیروی نکنند، چنان که تو هم پیروی قبله‌ی آنان نباشی و هیچ گروهی قبله‌ی دیگری را پیروی نکند. باری اگر پس از آن دانش که تو را رسید، هوس‌های آنان را پیروی کنی، آنگاه تویی بی‌گمان از ستمگران.

﴿۱۴۶﴾ آنان که کتاب آسمانی‌شان ارزانی داشتیم، چنان می‌شناسندش که پسرانشان را، هر چند گروهی از آنان حق را ببوشانند به رغم آگاهیشان.

﴿۱۴۷﴾ حق همان است که از پروردگار توست، اینک مباد که بوده باشی از دودلان.

﴿۱۴۸﴾ هر کس را رخی ست ویژه که رو به سوی آن دارد، اینک ربودن گوی مسابقه را در نیکی‌ها بشتابید. هر کجا باشید خدا همگیتان را فراهم آورد، که بی‌شک خداست بر همه چیز توانا.

﴿۱۴۹﴾ و از هر سو بیرون شدی به سوی مسجد الحرام روی آور که آن بی‌گمان حق است از پروردگارت و خدا غافل نباشد که چه می‌کنید شما یان.

وَلَيْنَ آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَتَّبِعُوا مِلَّتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قَلْبَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبَلَةَ بَعْضٍ وَلَكِنْ آتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْوَحْيِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَمْلَكُونَ ﴿١٤٦﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونُ مِنَ الْمُنْتَرِبِينَ ﴿١٤٧﴾ وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيًا فَاسْتَشِيرُوا الشَّعْرَةَ إِنِّي مَا كُونُوا يَأْتِيَكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٩﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ مِّنْهُم مَّا كُنْتُمْ عَلَيْهِمْ جَمْعًا إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنهُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَتَّبِعُوا تَمَتُّوكم تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾ تَأَذَّرُونِي إِذْ كُنْتُمْ رَاغِبِينَ إِلَيْهَا فَالْتَمِسُوا عَلَيْهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْهُنَّ بِالْحَقِّ يَأْتُونَكُم بِالْبَيِّنَاتِ لِقَاءِ رَبِّكُمْ إِنَّكُمْ كَانُمْرًا ظَالِمًا ﴿١٥٢﴾

﴿۱۵۰﴾ آری، از هر سو بیرون شدی به سوی مسجد الحرام روی آور و هر کجا بودید بدان سو روی آورید تا دیگر مردم را بر شما برهانی نباشد، جز از آنان که ستم کنند. اینک نه از آنان، که از من بترسید که شما را وامدار اوج نعمت خویش سازم، تا مگر باشید ره‌شناسان.

﴿۱۵۱﴾ همچنان که درون شما پیامبری از خودتان را رسالت دادم که شما را وامدارِ برخوردنِ آیه‌های ما سازد، و ارستگیتان بخشد، کتاب و حکمتتان آموزد و شما را همان پیام‌آموزده که راهیتان نبود به دانشی آن.

﴿۱۵۲﴾ اینک مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و نیز مرا سپاس گزارید و مباشید ناسپاسان.

سوره‌ی بقره (آیه‌ی ۲۸۶ - ۲۸۵)



﴿۲۸۵﴾ پیامبر خود به آنچه از پروردگارش او را فرود آمد گرویده است و گروندگان همگان به خدا، فرشتگان او، کتاب‌ها و فرستادگانش گرویده‌اند. جدایی نیفکنیم میان هیچ تن از فرستادگان او و همه گفتند: پروردگارا! شنیدیم و فرمان بردیم، آموزش تو را خواهیم و به سوی توست روند هستی.

﴿۲۸۶﴾ خدا هیچ تن را تکلیف نکند مگر فراخور توانش. او راست هر نیکی که به دست آرد، و بر اوست هر بدی که بدان دست یازد. پروردگارا! مگیرمان اگر به فراموشی یا خطا دچار شدیم، پروردگارا! گرده‌ی ما را بیش از توان سنگین بار میسند. در گذر از ما و پیامر زمان بر ما ترحم آور، تویی مولایمان پس یاریمان ده بر گروه کافران.

این آرمان در نام اسلام نیز متبلور است و در جای جای قرآن مورد تأکید؛

آیه‌های ۱۹، ۸۶-۸۳



سوره‌ی آل عمران (آیه‌ی ۱۹)

﴿۱۹﴾ در پیشگاه خدا دین، همان حق پذیری است، و کسانی که کتاب آسمانی دریافت کردند به اختلاف دچار نشدند مگر در پی آن که آنان را دانش فرارسید - به انگیزه‌ی زورگویی در میان خود - و هر که به پیام‌های خدا کفر ورزد، آنک خدا تیز شمار است بی گمان.



سوره‌ی آل عمران (آیه‌ی ۸۶-۸۳)

﴿۸۳﴾ مگر با این همه، جز از دین خدا را جویند، درحالی که او را آسمانیان و زمینیان همه خواه و ناخواه گردن نهاده‌اند و به سویش باز آیند همگان.

أَفَقَرِ دِينَ اللَّهِ يَجْحُوتَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَىٰ رَبِّهِمْ يُجْحُوتُونَ ﴿۸۳﴾



قُلْ ءَاَمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا اُنزِلَ عَلٰۤى اِبْرٰهِيْمَ  
وَاسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَاَلْاَسْبَاطِ وَمَا اُوْتِيَ  
مُوْسٰى وَعِيسٰى وَالنَّبِيُّوْنَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ  
مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُمْ مُّسْلِمُوْنَ ﴿۸۴﴾ وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ  
دِيْنًا فَلَنْ يُّقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿۸۵﴾  
كَيْفَ يَهْدِي اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوْا بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ وَشَهِدُوْا  
اَنْ الرّٰسُوْلَ حَقٌّ وَّجَآءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
الظّٰلِمِيْنَ ﴿۸۶﴾

﴿۸۴﴾ بگو: بگر ویدیم به خدا و آنچه بر ما فرو فرستاد و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط فرو فرستاده شد. و آنچه موسی و عیسی و پیامبران را از پروردگارشان داده شد، بی آن که میان هیچیک از آنان جدایی افکنیم و آن را گردن نهاده‌ایم همگان.

﴿۸۵﴾ و هر که جز از اسلام دینی بجوید، هرگز از او پذیرفته نباشد، و اوست درجهان دیگر از زبان زدگان.

﴿۸۶﴾ چگونه هدایت کند خدا مردمی را که پس از ایمانشان و گواهی به حق بودن پیامبر (ص) و فرارسیدن آن همه برهان‌های روشنگر، کفر ورزیدند، که خدا هدایت خود دریغ دارد از ستمگران.

## اسلام شناسی

اینک سخن از سیره‌ی پیامبر خاتم (ص) است و حق‌پذیری او با شعار اسلام. این فراز از سیره‌ی آن بزرگوار زمینه‌ساز طرح یکی از افق‌های روشن در معرفت دینی‌ست. چه، تامل در آیه‌های فراوان قرآن کریم در زمینه‌ی اسلام، زمینه‌ساز تجدید نظر در بسیاری از برداشت‌هاست.

با مراجعه به بیش از یک صد مورد از قرآن کریم که در آن شعار اسلام و محتوا و فرهنگ آن مطرح است، به وضوح در می‌یابیم که مفهوم روشن اسلام با هرگونه تنگ‌نظری و دگم‌اندیشی ناسازگار است. در محتوای شعار اسلام ارزشهایی چون توحید، وحدت، حق‌پذیری، عدالت، سلطه‌ستیزی و تعصب‌گریزی مطرح است. زمینه‌ی طرح این شعار نیز برخورد با تنگ‌نظری و انحصارطلبی‌ست و مخاطب آن، سرشت انسانی.

شگفتا شگفت! که چه فاصله‌ی سهمگینی‌ست میان اسلام بعثت - چنان‌که در قرآن مطرح است -

و آنچه اینک یادگار روزگارهای سیاه خلافت است!

پایان این بخش از بحث را دو نمونه از آیه‌های قرآن قرار می‌دهم و داوری را به خوانندگان

می‌سپارم.

آیه‌های ۱۸-۱۷ و ۷۴

﴿۳﴾ سوره‌ی آل عمران (آیه‌ی ۱۸-۱۷)

﴿۱۷﴾ همان شکیبایان و راستان و دست به نیایش برداران و انفاقگران و آمرزش خواهان به سحرگاهان.  
 ﴿۱۸﴾ هم خدا و هم فرشتگان و دانایان - در حالی که به دادگستری برخاسته‌اند - گواهی دهند که جز از او خدایی نباشد، آری، جز او خدایی نیست که شکست‌ناپذیریست نکته‌دان.

﴿۳﴾ سوره‌ی آل عمران (آیه‌ی ۷۴)

﴿۷۴﴾ مگر با این همه، جز از دین خدا را جویند، درحالی که او را آسمانیان و زمینیان همه خواه و ناخواه گردن نهاده‌اند و به سویش باز آیند همگان.

## ۲-۲ خلوص

خلوص از محورهای برجسته در فرهنگ و اخلاق اسلامی است که وجه تمایز سیره‌ی پیامبران، نه تنها با سلطه‌گران و کاخ‌نشینان - که بارهبران نهضت‌های اسلامی است. همه‌ی پیامبران خدا بر این نکته تاکید کرده‌اند که در برابر انجام رسالت و مشکلات آن هیچ‌گونه چشمداشتی ندارند.

با توجه به تناسب بیشترین آیه‌ها با بحث دیگری از سیره ... با عنوان وارستگی از خودکامگی - نیازی به تکرار آن در این جا نیست. این فرصت را با تبرک به آیه‌هایی دیگر که در آن خلوص و اخلاص پیامبران با تعبیرهای دیگری مورد تاکید است معتمن می‌شمارم

﴿۲۸﴾ سوره‌ی ص (آیه‌ی ۴۸-۱۷)

﴿۱۷﴾ با یاد داوود توانمند - که راستی را زمزمه‌های بسیار داشت - بشکیب بر آنچه اینان همی گویند.

﴿۱۸﴾ ماکوه‌ها را فرمان پذیر وی ساختیم که شامگاهان و بامدادان با او همی لب به تسبیح گشایند.

﴿۱۹﴾ و پرندگان فراگرد هم، همگی برای او به زمزمه پردازند.

﴿۲۰﴾ و کوشورش را استواری بخشیدیم و او را بینش ارزانی داشتیم و سخنی که مرز گذار باشد.

﴿۲۱﴾ و آیا تو را داستان آن درگیری رسید، آنک که محراب را از بام برآمدند!

﴿۲۲﴾ همان دم که بر داوود در آمدند آنک از آنان بهراسید؟ گفتند: مترس، دو طرف درگیر که یکی به دیگری زور گفته است، اینک میان ما به حق داوری کن و به دور از پریشانی به راهی رهنمونان باش که مموار باشد.

﴿۲۳﴾ واقعیت این است که این برادر من است که او را نود و نه میش است و مرا تنها یک میش! با این همه، می گوید که به من بسپارش، چنان که مرا در گفتگو به ستوه آورد.

﴿۲۴﴾ گفت: راستی را که او - با در خواست افزودن میش به میش های خویش - به تو ستم کرده است. و این مسلم است که بسیاری از شریکان به یکدیگر زور می گویند جز از کسانی که به حق گرویده‌اند و در شایستگی‌ها می‌کوشند که بس اندک‌اند. باری داوود بر این باور شد که به فتنه دچارش کردیم، آنک از پروردگارش آمرزش خواست و زمزمه کنان به رکوع درآمد.

﴿۲۵﴾ آنک بیامرزیدیم به سودش آن لغزش را که بی‌گمان او را در پیشگاه ما جایگاهی ویژه و فرجامی نیکو باشد.

﴿۲۶﴾ ای داوود، اینک ما تو را در این سرزمین جانشین ساختیم، پس در میان مردم به حق فرمان بران و به هوس مگرای که تو را از راه خدای بلغزانند، که بی‌گمان آنان را که از راه خدا به بی‌راهه رفتند کیفری ست سخت، چرا که روز حساب فراموششان آمد.

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عِدَّةَ مَا وَاوَدَّا اَلَّذِي اٰتٰهُ اُوۡبٰٓءُ ۙ  
 اِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُۥٓ يَسِيۡخُن بِالْعَشِيِّ وَاِلٰٓشْرَاقِ ۙ وَالطُّيۡرَ  
 مَحْشُوۡرَةً ۙ كُلٌّ لِّمَآءِ اُوۡبٰٓءُ ۙ وَاَشَدُّ دَآٓءًا مَّا كُنُوۡا اٰتِيۡنُهُۥٓ اَلْحِكْمَةَ  
 وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ۙ وَهَلْ اٰتٰكَ نَبَاُ الْخَصْمِ اِذْ تَسُوۡرُوۡا  
 اَلْمِحْرَابَ ۙ اِذْ دَخَلُوۡا عَلٰٓى دَاوُدَ فَنَجَّعَ مِنْهُمۡ قَالُوۡا لَا تَخَفْ  
 خَصْمَانِ بَعِيۡنَ بَعْضُنَا عَلٰٓى بَعْضٍ فَاَحْكُمۡ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تَشُوۡطُ  
 وَاَهۡدِنَا اِلٰٓى سُوۡرَةِ الْمُرۡطِ ۙ اِنۡ هٰذَا اٰخِرُ لِمَآءِ اٰتٰنَا وَتَسْعَوۡنَ نَجۡهًا  
 وَاِنۡ نَّجۡهًا وَاَحَدَةٌ فَقَالَ اَكْفِيۡنِيۡهَا وَعَرَّفٰنِيۡ فِى الْخِطَابِ ۙ قَالَ  
 لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُوۡاِلِ نَّصِيۡكَ اِلٰٓى نَجَاجِۡءٍ وَاِنۡ كُنۡتَ مِنَ الْغٰلِطِيۡنِ  
 بَعْضُهُمۡ عَلٰٓى بَعْضٍ اِلَّا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا وَعَمِلُوۡا الصَّٰلِحٰتِ وَقَلِيۡلٌ  
 مَّا هُمۡ وَظَنَّ دَاوُدُ اَنَّمَا فِتنُهُۥٓ فَاَسْتَغۡفِرُۡرِهٖٓ وَخَرَّ رَاكِعًا وَاَنَابَ  
 ۙ فَغَفَرۡنَا لَهٗ ذٰلِكَ وَاِنۡ لَّمۡ رَعِدۡنَا لَازَلۡنٰهُ وَحُسۡنَ مَعٰبِ  
 ۙ يٰۤاُدُّوۡا اِنَّا جَعَلۡنَاكَ خَلِيۡفَةً فِى الْاَرْضِ فَاَحْكُمۡ بَيْنَ النَّاسِ  
 بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰٓى فَيُضِلَّكَ عَنۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ وَاَلَّذِيۡنَ يَضِلُّوۡنَ  
 عَنۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ لَهُمۡ عَذَابٌ شَدِيۡدٌ لِّمَا سَاوۡا تَوْمَ الْاِحۡسَابِ ۙ

﴿۲۳﴾ واقعیت این است که این برادر من است که او را نود و نه میش است و مرا تنها یک میش! با این همه، می گوید

﴿۲۴﴾ گفت: راستی را که او - با در خواست افزودن میش به میش های خویش - به تو ستم کرده است. و این مسلم است که بسیاری از شریکان به یکدیگر زور می گویند جز از کسانی که به حق گرویده‌اند و در شایستگی‌ها می‌کوشند که بس اندک‌اند. باری داوود بر این باور شد که به فتنه دچارش کردیم، آنک از پروردگارش آمرزش خواست و زمزمه کنان به رکوع درآمد.

﴿۲۵﴾ آنک بیامرزیدیم به سودش آن لغزش را که بی‌گمان او را در پیشگاه ما جایگاهی ویژه و فرجامی نیکو باشد.

﴿۲۶﴾ ای داوود، اینک ما تو را در این سرزمین جانشین ساختیم، پس در میان مردم به حق فرمان بران و به هوس مگرای که تو را از راه خدای بلغزانند، که بی‌گمان آنان را که از راه خدا به بی‌راهه رفتند کیفری ست سخت، چرا که روز حساب فراموششان آمد.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا  
 قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنَّ النَّارِ ﴿۲۷﴾ أَمْ يَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا  
 الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ يُجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ  
 ﴿۲۸﴾ كَتَبْنَا أَرْزَاقَهُمْ لِيَكُ مَبْرُكًا لِيَكْفُرُوا بِآيَاتِنَا وَيَسْتَكْبِرُوا  
 أَلَّا يُؤْتُوا ﴿۲۹﴾ وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدَانِ هُوَ وَآدَمُ  
 إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِمَا بِالْعَنِيِّ الصَّفِينَتِ الْإِلَهَادِ ﴿۳۰﴾ فَقَالَ إِنِّي  
 أَحْبَبْتُ حُبَّ الْغَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿۳۱﴾  
 رَدُّهَا عَن قُلُوبِ سَمْعَانَ السُّوقِ وَالْأَعْيَافِ ﴿۳۲﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا  
 سُلَيْمَانَ وَالْقَيْنَانَ عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿۳۳﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ  
 لِي آيَةً وَهَبْ لِي مَلَكًا يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ بِعَدِيِّ إِلَيْكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۳۴﴾  
 فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ أَيْنَ شَاءَ حَيْثُ أَصَابَ ﴿۳۵﴾ وَالْقَيْنَانَ  
 كُلَّ بَنَاءٍ وَعَوَاصٍ ﴿۳۶﴾ وَهُوَ آخِرِينَ مُفْرَجِينَ فِي الْأَحْقَادِ ﴿۳۷﴾ هَذَا  
 عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِعَفْوِ حِسَابٍ ﴿۳۸﴾ وَإِن لَّهٗ جَدْنًا لَّزَيْنًا وَحَسَنًا  
 مَّعَابٍ ﴿۳۹﴾ رَأَى كُرْعِدًا أَيْبُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ  
 لِيُصِيبَ وَعَذَابُ اللَّهِ أَزْكَنُ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿۴۰﴾

﴿۲۷﴾ و ما آسمان و زمین و آنچه را در این میان است  
 بوج نیافریده ایم، آن باور کسانی ست که کفر ورزیدند  
 پس وای آنان را که کافر شدند از آتش سوزان.

﴿۲۸﴾ مگر کسانی را که گرویدند و به شایستگی ها  
 کوشیدند همتراز تبه کاران در زمین سازیم، یا مگر  
 خویشان بانان را برابر رقم زنیم باهرزگان؟!

﴿۲۹﴾ کتابی خجسته تو را فرو فرستادیم تا به  
 رهنمودهای آن بیندیشند و هم یاد آور شوند خردمندان.

﴿۳۰﴾ و به داوود، سلیمان را ارزانی داشتیم، چه نیکو  
 پرستنده ای آری او ناپنگری دل سوخته بود بی گمان.

﴿۳۱﴾ آنک که اسباین تیز تک را برای او به نمایش  
 گذاشتند شامگاهان.

﴿۳۲﴾ پس گفت: راستی را که من به جای یاد پروردگار  
 خود به خواسته عشق ورزیدم تا خورشید در پس پرده  
 شد پنهان.

﴿۳۳﴾ آن ها را باز پس آورید برایم، آنک همی تیغ زد بر ساقی ها و گردنشان.

﴿۳۴﴾ و چنین بود که سلیمان را به آزمون دچار کردیم و بر تخت او نشی افکندیم، پس به زاری پرداخت در پی آن.

﴿۳۵﴾ گفت: پروردگارا! مرا بیامرزد و چنان فرمانرواییم ارزانی دار که کسی پس از من ار و انباشد که تویی پر بخشش بی گمان.

﴿۳۶﴾ پس برای او باد را فرمانپذیر رقم زدیم که فراوانی می آفرید - هر کجا که می وزید - گوش به فرمان.

﴿۳۷﴾ و دیوها، سازنده و غواص، همگان.

﴿۳۹﴾ این بخشش ماست، اینک و امدار دهش ساز یا دریغ ورز خارج از دیوان.

﴿۴۰﴾ و بی گمان او راست در پیشگاه ما جایگاهی ارجمند و نیکو فرجام.

﴿۴۱﴾ و پرستنده ی ما ایوب را یاد آور شو، آنک که پروردگارش را چنین به نیایش بانگ زد: این منم که دیو به رنج  
 و درد افکنده است مرا.

﴿۴۲﴾ به پای خویش دوان شو، این چشمه ی شستشو ست و هم نوشابه ای گوارا.



﴿۴۳﴾ و کسانش را به او بخشیدیم و دو چندانش را با آن، پرتو مهری از ما و یاد آوری هر ژرف اندیش را.

﴿۴۴﴾ و به دست خود دسته‌ای گیاه برگیر و با آن بزنی و سوگند بیهوده مخور. آری ما او را بس شکبیا یافتیم، نیکو پرستشگری بی شک از دل سوخته‌ها.

﴿۴۵﴾ و پرستنده‌ی ما ابراهیم را یاد آور شو و اسحاق و یعقوب را نیز، خداوندانِ دستان و چشم‌ها.

﴿۴۶﴾ این ماییم که به پالودیمشان با یاد بی‌شائبه‌ی آن سرا.

﴿۴۷﴾ آری آنان‌اند از برگزیدگان نیک در پیشگاه ما.

﴿۴۸﴾ و اسماعیل و یسع و ذالکفل را یاد آور شو که از نیکان‌اند همگی آن‌ها.

در مواردی دیگر شخص پیامبر مخاطب است، با تاکید بر ضرورت پیراستن پرستش و دین خدا

از هر گونه پیرایه و شائبه.

آیه‌های ۲، ۱۱، ۱۴

﴿۳۹﴾ سوره‌ی زمر (آیه‌ی ۲)

﴿۲﴾ آری، ما به سوی تو این کتاب را فرو فرستادیم. **إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۲﴾**

اینک خدا را بپرست در حالی که برای او پالاینده‌ای دین را.

﴿۳۹﴾ سوره‌ی زمر (آیه‌ی ۱۱)

﴿۱۱﴾ بگو: من فرمان یافته‌ام که خدا را درحالی بپرستم، که برای او آیینی دین را از هر زنگار پاک سازم.

**قُلْ إِنَّ أُمَّتِي أَرَادَتْ أَنْ يُعْبَدَ اللَّهُ مَخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۱۱﴾**

﴿۳۹﴾ سوره‌ی زمر (آیه‌ی ۱۴)

﴿۱۴﴾ بگو: تنها خدا را می‌پرستم در حالی که کیش خویش را برای او از هر زنگار می‌پالایم.

**قُلْ اللَّهُ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۱۴﴾**

تأکید و تکرارهایی از این دست، بیانگر این نکته است که زلال دین، همواره در معرض ناخالصی هاست. این نکته در مواردی از قرآن به ویژه مورد تصریح است که شیطان‌های کوشند تا در اندیشه‌ی زلال توحید و دریافت حق نفوذ کنند.

بررسی پیرایه‌هایی که به دین بسته شد و داستان آلودگی زلال بعثت به زنگارهای خلافت و سلطنت خود موضوع پژوهشی ست مستقل و بایسته.

طبقه‌بندی خلوص و اخلاص نیز حائز اهمیت و ارزش است که نمونه‌هایی از آیه‌های مورد استفاده در این زمینه را ذیلاً یاد آور می‌شویم:

آیه‌های ۲۴-۲۳، ۵۱، ۴۰-۳۹

﴿۱۲﴾ سوره‌ی یوسف (آیه‌ی ۲۴-۲۳)

﴿۲۳﴾ و آن زن که یوسف درخانه‌اش بود با ترفندی، کامجویی از او را آهنگ کرد و درها را بست و گفت: اینک کام تو راست! گفت: پناه به خدا، پروردگارم مرا جایگاهی نیکو ساخته است، بی‌گمان رستگار نشوند ستمگران.

﴿۲۴﴾ راستی را که آن زن به جد آهنگ او کرد و او هم اگر برهان پروردگارش در نگاه نمی‌نشست، آهنگ او کرده بود. آری چنین شد که بدی و زشتی را از او واپس زدیم که اواز پرستشگران ما بود، همان پالایش شدگان.

﴿۱۹﴾ سوره‌ی مریم (آیه‌ی ۵۱)

﴿۱۵﴾ و در این کتاب موسی را یاد آور شو که او وارسته بود و هم فرستاده‌ای پیام آور ما.

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِذْ كَانَ مُخْلِصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿۱۵﴾

﴿۳۷﴾ سوره‌ی صافات (آیه‌ی ۴۰-۳۹)

﴿۳۹﴾ و کیفر داده نشوید جز فراخور کردارتان.  
﴿۴۰﴾ جز از بندگانی خدا، همان پالایش شدگان.

وَمَا نُخِزُونَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۳۷﴾ إِعْبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿۴۰﴾

چند آیه‌ای که پیش از این آورده شد بیشتر به خلوص و اخلاص در اندیشه و عقیده نظر داشت. در حالی که این آیه‌ها، بعضاً در خصوص اخلاق است و بعضاً به صورت مطلق مطرح است. نکته‌ی دیگر این که در مواردی از قرآن کریم، معیارهایی در ارزیابی خلوص و اخلاص دیده می‌شود که در آن جنبه‌های سیاسی و اجتماعی جلب توجه می‌کند. به عنوان نمونه آن جا که در تقسیم و طبقه بندی رهبران و حاکمان، دو چهره مطرح شده است. یکی خودخواه، خودمحور و انتقاد ناپذیر و دیگری فداکار و مخلص.

### سوره‌ی بقره (آیه‌ی ۲۰۷-۲۰۴)

﴿۲۰۴﴾ و از این مردم کسی است که گفتارش - در زندگی این جهان تو را به شگفتی آورد و خدا را بر هماهنگی دل با زبان گواه گیرد در حالی که او کین توزترین باشد.

﴿۲۰۵﴾ و چون به زمامداری رسد در تباهی زمین بکوشد و کشت و نژاد را نابود سازد، در حالی که خدا تباهی را دوست نمی‌دارد.

﴿۲۰۶﴾ و چون گفته آیدش که از خدا پروا گیر،

غرور گناهش بگیرد، پس دوزخش بسنده است، که بستری ست بسیار بد!

﴿۲۰۷﴾ در برابر، چهره‌ای دیگر از همین مردم، خویشتن خویش را در جستجوی خشنودی خدا سودا کند و خدا با بندگان بنده‌نواز باشد!

چنان که ملاحظه می‌کنیم، یک معیار روشن در ارزیابی میزان خلوص، انتقاد پذیری و انتقاد ناپذیری است. رهبرانی که خویشتن خویش را وقف خدمت کرده‌اند و به بیماری خودمحوری دچار نیستند، هرگز از شنیدن انتقاد، خشمگین نمی‌شوند. در برابر...

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهَ  
عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ، وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٠٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ  
سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ يُفْسِدُ فِيهَا وَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ  
لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ  
بِأَلْسِنَةٍ فَحَسِبَهُ جَهَنَّمَ وَلَيْسَ بِالْمُهَادِ ﴿٢٠٦﴾ وَمِنَ  
النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ  
رَبُّهُ وَفِي الْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾



## ۲-۳ توکل

توکل نیز فرازی است بر جسته در سیره‌ی پیامبران و پیامبر خاتم (ص) که خود سر چشمه‌ی شماری از ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی آن بزرگواران است و در ادامه‌ی همین سلسله بحث‌ها جداگانه مطرح شد. آنچه اینک به عنوان آثار توکل می‌توان به آن اشاره کرد عبارت‌اند از: قاطعیت، سلطه ناپذیری، وارستگی از تهدید و تطمیع، شکیب، جوناپذیری، شهامت اخلاقی، استقلال رای، خطرپذیری و استقبال از تنهایی در راه هدف. اینک شماری از آیه‌های قرآن را در این زمینه ملاحظه می‌کنیم و به تامل می‌نشینیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی